

جلب سرمایه های خارجی، برای استقلال ملی !

حکومتی که نتواند سرمایه خارجی جلب کند، عملاً استقلال ملی را به خطر می اندارد ...

جمشید اسدی

Assadi3000@yahoo.com

کمتر کسی است که از وخامت اوضاع اقتصادی در ایران بی اطلاع باشد. در مورد راه برون رفت از آن نیز جای شبهه و تردید نیست: توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی. اما این هر دو به نوبه خود مستلزم گسترش تولیدند و تولید وابسته به عوامل کار و سرمایه. در مورد عامل کار، به جرات می توان گفت که ایران با مشکل بزرگی مواجه نیست. سواد آموزی و افزایش سطح سواد به ویژه به دنبال گسترش دانشگاه و مدارس پس از انقلاب، در پیدایی نیروی کار با توانش بالایی بهره دهی، بسیار موثر بوده اند. آن چه که در این مورد، روز به روز ابعاد نگران کننده تری بخود می گیرد، مسئله فرار مغزهاست. بنا بر اعلام وزارت علوم و فناوری بیش از 220 هزار از نخبگان، کشور را در سال 1380 ترک کرده اند¹. با وجود این به نظر ما، مشکل اصلی اقتصاد ایران در جلب و جذب سرمایه است. چه در صورت جلب سرمایه و ایجاد شرایط مناسب، به همکاری و همپاری مغزهای ایرانی در هر کجا که هستند، می توان بی تعصب امیدوار بود. اما نیاز به سرمایه در ایران زین پس خصلتی حیاتی بخود گرفته است. مثالی بزنیم: برای ایجاد 765 هزار شغل در سال، به 14/5 میلیارد دلار سرمایه نیاز داریم². یعنی تقریباً در حدود 18955 دلار برای ایجاد هر شغل جدید. رقم چندان بزرگی نیست، اما متأسفانه بعلت ساختار رانتی کشور از جذب و به راه انداختن همین مقدار اندک نیز عاجزیم. قصدم در این گفتار بررسی امکانات، تهیه و تشخیص منابع سرمایه ای است که به کار تولید و اشتغال مناسب شرایط کشور بیایند. اما نیاز به سرمایه عمدتاً از سه طریق تأمین می شود: دریافت کمک بلاعوض، استقراض و سرمایه گذاری مستقیم. در عصر جهانی شدن، هریک از این سه طریق ممکن است در سطح ملی یا بین المللی صورت گیرد. به گمانم طریقی که می تواند در شرایط کنونی امنیت اقتصادی و کیان ملی ایران را تأمین کند، جلب سرمایه گذاری های خارجی است. با بررسی مقایسه ای انواع بدیل های مذکور در پی نشان دادن این ادعایم.

1. کمک بلاعوض. توجیه نظری کمک بلاعوض ریشه در فلسفه اقتصادی دارد که در سال های پس از جنگ جهانی دوم، بعنوان مهم ترین نسخه توسعه و رشد مورد استناد مسئولین حکومتی، سازمان های بین المللی و حتی بانک جهانی بود. بنابراین رویکرد، عقب ماندگی اقتصادی ریشه در دور باطل فقر دارد، بدین ترتیب که

کشورهای فقیر، برای تأمین توسعه و رشد، سرمایه در اختیار ندارند و لاجرم امکان رهایی از فقر را نیز ندارند. با چنین پیش فرضی، پاسخ به مسئله روشن به نظر می رسد: کشورهای ثروتمند می بایستی سرمایه لازم را در اختیار کشورهای فقیر بگذارند تا آن که مسئولین حکومتی این کشورها، این وجوه را صرف ایجاد صنایع ملی و جایگزینی واردات کنند.³ مسئولین در عین حال می بایستی با ایجاد موانع تعرفه ای و غیره، نوعی انحصار برای صنایع نوپا ایجاد کنند و از هرگونه رقابت خارجی جلوگیری بعمل آورند.

اما با گذشت سال ها و مشاهده ناکارآمدی های بی شمار، سکه این نظرگاه به تدریج از رونق افتاد. مبانی نظری آن نیز مورد تردید واقع شد و بویژه از سوی پیتر بوئر (Peter Bauer)⁴، یکی از جدی ترین اقتصاددانان توسعه و رشد موردحملات جدی قرار گرفت. بنابر آراء او، کشورهای ثروتمند کنونی نیز روزی فقیر بوده اند و اگر تئوری دور باطل درست می بود، هیچ کشوری نمی توانست از دام عقب افتادگی رهایی یابد، چرا که در آغاز کشور ثروتمندی وجود نداشت که دست کشور فقیرتر را بگیرد و با اعطای سرمایه، رشد و توسعه آن را تأمین کند. به نظر او، عامل رشد، نه اعطای کمک بلاعوض، بلکه ایجاد شرایط مطمئن برای پشتیبانی از حقوق مالکیت، برابری حقوقی، احترام به قرارداد و حمایت از سود خصوصی بوده است.

در پرتو آنچه شرحش رفت، بوئر به شدت با کمک بلاعوض بعنوان عامل توسعه و رشد مخالفت می کند و چنین فرضیه ای را بی اساس قلمداد می کند. به نظر او، کمک خارجی باعث تقویت اقتصاد نیست، بلکه موجب قدرت بیشتر حاکمان سیاسی است. چرا که در اکثریت قریب به اتفاق موارد، کمک ها بیشتر از آن که در تولیدات سودساز بکار روند، در خدمت منافع سرمایه سوز قرار می گیرند. امروز تجربیات و آمار، بسیاری را بیش از پیش متوجه نظرات و تئوری های پیتر بوئر کرده اند.

اما گذشته از بحث تئوریک درباره بی حاصلی کمک بلاعوض برای توسعه اقتصادی، باید دانست که میزان آن نیز در عرض سال های گذشته به طور عینی بسیار کاهش یافته است و بدین لحاظ در هر حال تکافوی نیاز کشورهای درحال رشد را نخواهد کرد. در این مورد، می توان به کمک های دولتی به توسعه (Aide publique au développement) در سال 2000 اشاره کرد که به 53/7 میلیارد دلار یعنی رقمی در حدود 0/22 درآمد ناخالص ملی کشورهای اعطا کننده بالغ می شد. این رقم بسیار ناچیزتر از 0/7 درصدی بود که در سال 1970 توسط سازمان ملل متحد بعنوان هدف و به منظور زدودن فقر از جهان تصویب شده بود.⁵ کمک دولتی به توسعه در سال 2000، یک چهارم گردش وجوه خصوصی در جهان در همان سال بود.⁶ در گزارشی که بانک جهانی در آوریل 2001 در مورد تأمین مالی توسعه کشورها منتشر کرد اعلام داشت که با توجه به کاهش کمک های دولتی به توسعه سرمایه گذاری خصوصی خارجی برای تأمین توسعه اقتصادی کشورها نقش حیاتی پیدا کرده است.

2. پس انداز و اعتبارات مالی. استقراض منبع دیگری است که می تواند برای تهیه سرمایه بکار رود. اما کارآفرین تنها در صورتی می تواند وجه مورد نیاز خود را قرض گیرد، که کسی یا موسسه ای آن وجه را در اختیار داشته باشد. موسسات اعتباری و بانکی، با جلب پس انداز، این وجه را تامین می کنند. به همین لحاظ پس انداز از مهم ترین، عوامل در تشکیل سرمایه است، چه با بالا رفتن سطح پس انداز در بانک ها، وجه قابل ملاحظه ای انباشت می شود که می تواند به صورت وام در اختیار سرمایه گذار قرار گیرد. زمانی که پس انداز به اندازه کافی در موسسات اعتباری انباشته شد، سرمایه گذار می تواند وام بگیرد و در موعد مقرر اصل و فرع وام را به بانک بازگرداند. وی امیدوار است که در این مدت سود سرمایه گذاریش از بهره ای که بابت وام به بانک می پردازد، بیشتر باشد.

نقش موثر پس انداز در تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته محرز است. رشد اقتصادی کشورهای نوظهور آسیایی نیز عمدتاً به دلیل سطح پس انداز بالایی آنها بوده است. به طوری که در طی سالهای 1960 و 1970، از یک چهارم تا یک سوم رشد درآمد در کره⁷، فیلیپین و مکزیک ناشی از رشد ذخیره سرمایه بوده است. این رقم در کشورهای عقب مانده تر حتی تا 50% هم رسیده است. اما متأسفانه در ایران اشکالات تشکیل پس انداز و اعطای اعتبار برای تشکیل سرمایه فراوانند:

- الف. از سال 1363 که نظام بانکی بدون ربا در ایران به تصویب رسید تا 1379، نرخ سود بانکی سپرده های کوتاه مدت و بلند مدت به جز در سالهای 1364 و 1369، همواره کمتر از نرخ تورم بوده است.⁸ در چنین شرایطی طبیعی است که مردم انگیزه و اعتمادی برای پس انداز در سیستم بانکی نداشته باشند.
- ب. درآمد سرانه ایرانیان در حدود یک سوم درآمد سرانه ایشان تا پیش از انقلاب است.⁹ بدین ترتیب حتی در صورت اعتماد و تمایل به پس انداز، مردم وجه قابل ملاحظه ای برای سپردن به نظام بانکی در اختیار ندارند.

اما گذشته از سطح نازل پس انداز، باید اضافه کرد که سیاست های دولتی برای رفع کسری بودجه، مشکل استقراض و تأمین اعتبار در ایران را دو چندان کرده است. حقیقت آن است که وجود الیگارشی های فراوان، باعث افزایش هزینه های جاری و نهایتاً کسری بودجه دولتی شده است. اگر برای تأمین کسری دولت به استقراض روی آورد، عمدتاً سه راه حل در پیش دارد. اما این سه راه حل، هر یک به طریقی بر وخامت اقتصاد ایران خواهند افزود:

- اگر کسری بودجه از طریق استقراض از نظام بانکی تأمین شود، نقدینگی و بدنبال آن تورم افزایش خواهند یافت؛
- حل کسری بودجه از طریق انتشار اوراق قرضه یا مشارکت نیز نوعی استقراض است و باعث می شود منابعی که ممکن بود صرف مصرف یا سرمایه گذاری بخش خصوصی شود، جذب بخش دولتی

شود. در عین حال نرخ بهره افزایش می یابد و بخش خصوصی انگیزه استقرار به منظور سرمایه گذاری و افزایش سطح تولید را از دست می دهد؛

- چاره سوم رفع کسری بودجه از طریق استقرار خارجی است که با توجه به سطح نازل و عدم پویایی تولید در کشور، حتی منجر به کسری حساب جاری و بحران بدهی های خارجی می شود.

با اینکه پیشینه استفاده از وام و اعتبار خارجی در ایران بسیار طولانی است، اما جمهوری اسلامی در دوران پس از انقلاب تا تصویب برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، از وام و اعتبار خارجی استفاده نکرد. با زمامداری هاشمی رفسنجانی به توسعه اقتصادی در فضای باز توجه بیشتری شد و در تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز، مواردی از اخذ وام و اعتبار از خارج، پیش بینی شد که شامل 17/5 میلیارد دلار برای تامین اعتبار وامهای مختلف و ده میلیارد دلار به صورت بیع متقابل بود. در حقیقت به علت وجود و تداوم انحصارات اقتصادی و سیاسی، دولت مجبور و شاید هم مایل بود که منابع توسعه را بیشتر از طریق استقرار تامین کند تا جلب سرمایه گذاری خارجی. پس از آنهم شیوه استقرار کماکان به شکل پنهان و نیمه پنهان ادامه یافت، اما رسم بر آن بود که بجای کلمه بحث برانگیز استقرار خارجی، از واژه فاینانس (Finance) استفاده شود. هر چه بود، استقرار یا معادل آن فاینانس، برای دولت و بانک مرکزی تعهد بازپرداخت به دنبال داشتند. ... در طول سالهای برنامه اول توسعه، وام های کلان به صورت فاینانس گرفته شد و ماشین آلات زیادی برای اجرای پروژه ها وارد کشور گشت و جالب اینکه هنوز بسیاری از این ماشین آلات از جعبه در نیامده و وقتی از مسئولین می پرسیم چرا پروژه را راه اندازی نمی کنید، می گویند بعد از خرید، انگیزه نداریم. اما بهر حال وامی گرفتند و دولت و کشور را متعهد کردند و متأسفانه حیثیت مملکت به علت دیر کرد در بازپرداخت وامها به باد رفت¹⁰.

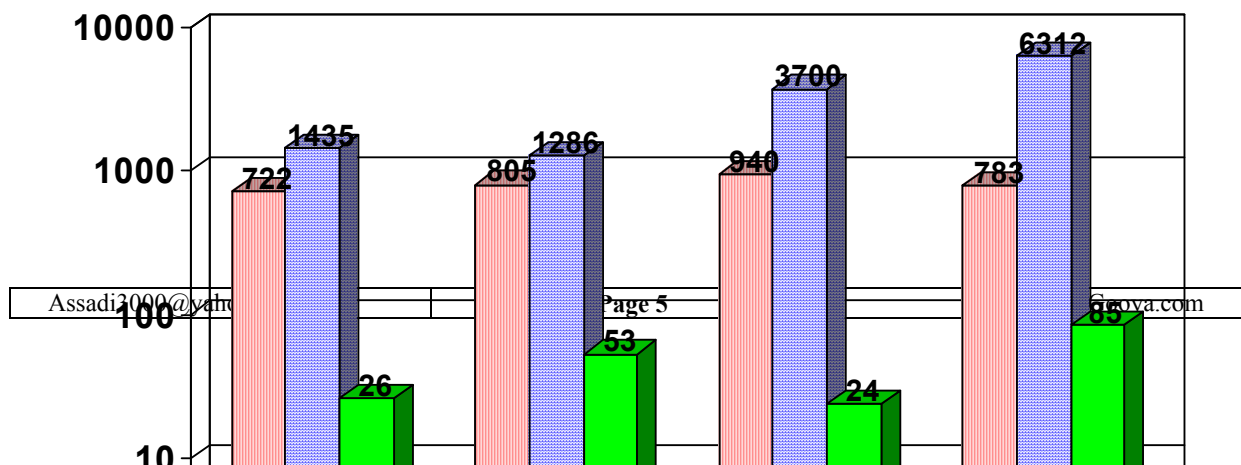
این حکایت استقرار خارجی در آن سال ها بود تا آن که در تابستان 2002، دولت دوباره متوجه استقرار خارجی شد، منتهی این بار توانست از طریق انتشار اوراق تأمین اعتبار کند. دولت توانست بدین طریق در ژوئیه 2002، 625 میلیون یورو و در پائیز همان سال 375 میلیون یورو اوراق قرضه 5 ساله با بهره 8/75 درصد منتشر کند. منصفانه باید گفت که انتشار این اوراق به جهت تنوع در منابع ورود سرمایه و بویژه فعال شدن کشور در بازار مالی جهان، شایان کمال اهمیت است. با وجود این، اگر این استقرار صرف کارهای سرمایه ای سودآور نشود، (که متأسفانه به علت فشار محافل رانتی بردولت امکان آن هست) بازپرداخت آن از سال 2007 (و 2008 برای سری دوم) ایران را با بحران تسویه و اعتبار بین المللی مواجه خواهد ساخت. اما اگر در چنین شرایطی، سرمایه گذاری مستقیم بویژه از سوی خارجیان صورت گیرد، نه تعهدی برای بازپرداخت پول ایجاد می شود و نه منافع ملی به خطر خواهد افتاد.

3. جلب سرمایه گذاری خارجی. سرمایه گذاری خارجی عمدتاً از سوی شرکت های بزرگ جهانی صورت می گیرد و برای تامین منابع توسعه دربرگیرنده مزایای شایان توجهی است: تعهد بازپرداخت ندارد، منافع ملی را به خطر نمی اندازد و در شرایطی که سطح پس انداز و سرمایه ملی، پاسخگویی نیازهای اقتصادی نیست (همچون در ایران کنونی)، امکان توسعه اقتصادی کشور را فراهم می آورد. از همین روست که کشورهای درحال توسعه، طی دو دهه گذشته از طریق مساعد کردن زمینه های قانونی و مقرراتی، زمینه را برای سرمایه گذاری خارجی تسهیل کردند و در صدد افزایش سهم از آن برآمدند. در همین راستا اغلب کشورهای در حال توسعه نه تنها به عضویت در سازمان تجارت جهانی درآمدند بلکه کوشیدند تا حقوق گمرکی از کالاهای وارداتی را کاهش دهند. و بدین ترتیب با ایجاد فضایی مناسب برای اقتصادی باز، اعتماد سرمایه گذاران را جلب کنند. به طور مثال امروز سطح حقوق گمرکی بر کالاهای وارداتی در کشورهای جنوب آسیا 45 درصد است که نسبت به 600 درصد اواخر دهه 1980، کاهش چشمگیری نشان می دهد. همین طور در آفریقا متوسط حقوق گمرکی بر واردات قریب 25 درصد و در برخی کشورهای آمریکای لاتین و خاور دور تا 15 درصد کاهش داده یافته است.¹¹

علت اشتیاق حکومت ها برای ایجاد بستر مناسب به منظور جلب سرمایه های خارجی، پیامدهای مثبت بی شمار برای اقتصاد ملی است. به طور مثال، 1/3 تریلیون دلار سرمایه گذاری خارجی در سال 2000، برای 45/6 میلیون نفر در جهان ایجاد شغل کرد. اما در این سال همانند سالهای پیش از آن، منبع و مصرف سرمایه گذاری خارجی عمدتاً در میان کشورهای پیشرفته صنعتی صورت تحقق پذیرفتند. با وجود این، در همین سال چین توانست 41 میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کند و این در حالی است که طی ده سال 1370-1379 ایران تنها پذیرای 2 میلیارد و 600 میلیون دلار سرمایه خارجی شد! یعنی در عرض 10 سال، جمهوری اسلامی نتوانسته به اندازه یک شانزدهم یک سال چین (2000)، سرمایه خارجی جلب کند! کشورهای در حال گذار اروپای شرقی که به جای خود، ایران نفت خیز، حتی از ترکیه، کشور همسایه و همتای خود در جلب سرمایه های خارجی، فرسنگ ها عقب افتاده است:

مقایسه سرمایه گذاری خارجی در ایران، ترکیه و جمهوری چک

(میلیون دلار آمریکا)



متأسفانه در زمینه جلب سرمایه های خارجی، اوضاع کشور بسیار نگران کننده است. از ابتدای سال 1372 تا پایان خرداد ماه 1381، 4 میلیارد و 351 میلیون و 336 هزار دلار سرمایه گذاری مصوب، تحت پوشش جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی تصویب شد. اما از این میان، آنچه که به مرحله اجرا رسید یا هم اکنون در دست اجراست و یا سرانجام سرمایه گذار خارجی را از اقدام خود پشیمان نکرده، تنها برابر با 2 میلیارد و 372 میلیون و 568 هزار دلار است. به عبارت دیگر، حدود 50 درصد سرمایه گذاران خارجی مشتاق به سرمایه گذاری در ایران، به دلایل مختلفی در میانه راه منصرف می شوند¹². طی 10 سال 2003-1992، 222 طرح با حجم 4 و نیم میلیارد دلار در سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی، به تصویب رسید، اما شوربختانه تنها 2 میلیارد و 200 میلیون دلار آن به مرحله اجرا درآمد¹³. این همه در حالیست که بنا بر مطالعات انجام شده در ایران، در ازای یک میلیون ریال سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه گذاری داخلی ده میلیون ریال و مصرف داخلی 2/8 میلیون ریال در سال بعد افزایش می یابد. همچنین با وقفه ای 5 ساله، صادرات 34/7 میلیون ریال افزایش و واردات 9/2 میلیون ریال کاهش می یابد¹⁴.

از همین روست که جلب سرمایه گذاری خارجی برای اقتصاد ایران نقش حیاتی دارد. اگر ایران در سال 2000، توانسته بود حتی معادل یک صدم کشور چین، سرمایه خارجی جذب کند، دست کم 237932 فرصت شغلی ایجاد می شد و این به تنهایی در حدود یک سوم هدف برنامه سوم برای مبارزه با بیکاری در کشور می بود! شوربختانه نه تنها حجم سرمایه ملی به هیچ وجه در سطح نیازهای کشور نیست، بلکه در عین حال آن چه هست به شدت در حال کاهش یا فرار به خارج است. کارنامه انقلاب در اقتصاد و به طور کل در تشویق به سرمایه گذاری به طور خاص، کارنامه ای بغایت شرم آور است. در سال 1356 یعنی یک سال پیش از انقلاب، خالص سرمایه گذاری در کشور از 21/6 درصد تولید ناخالص ملی به 2/4 درصد در سال 1377

سقوط کرد¹⁵. از آن گذشته، بین سال های 1375 تا 1380، در حدود 16 میلیارد دلار سرمایه از ایران خارج شد. به اعتباری می توان گفت که هر سال در حدود 7 تا 8 میلیارد دلار سرمایه ایران خارج می شود. حتی اگر با نگاهی خوشبینانه تر میانگین خروج سرمایه از کشور را تنها در حدود 3/3 میلیارد دلار فرض کنیم، باید در عین حال اضافه کنیم که همین مقدار 85 برابر مقدار سرمایه خارجی است که به اقتصاد ایران وارد می شود¹⁶! متأسفانه سرمایه گذاران ایرانی، حتی کشورهای همسایه را نیز مطمئن تر از ما می دانند، به عنوان مثال در طی سه سال 77-1374، در حدود 12 میلیارد دلار سرمایه به ترکیه بردند¹⁷. البته گذشته از تأمین منابع، دلایل دیگری نیز برای جلب سرمایه گذاری های خارجی و لاجرم شرکت های چند ملیتی نیز موجود است که از این میان می توان عمدتاً از دستیابی به تکنولوژی، مدیریت و بازار جهانی نام برد:

الف. رویکرد به اقتصاد جهانی، مستلزم تکنولوژی کارآ و مدیریت پویاست که این دو نیز عمدتاً در اختیار شرکت های معظم چند ملیتی است. در حالی که تحول تکنولوژی و فنون مدیریت در سطح جهان روزمره و پویاست، خیال ساخت و ترویج این دو در سطح ملی، خرافه بچگانه ای بیش نیست. نباید فراموش کرد که انتقال تکنولوژی در سطح جهان، عمدتاً در درون شبکه های شرکت های چند ملیتی صورت می گیرد. به طوریکه 80 درصد انتقال تکنولوژی میان آمریکا و انگلستان و 70 درصد انتقال تکنولوژی میان آمریکا و آلمان در چارچوب نقل و انتقالات داخلی همین شرکت هاست. در این مورد مطمئن ترین راه، جلب سرمایه شرکت های فراملیتی و ورود به شبکه جهان گستر اقتصادی آنهاست.

ب. تکنولوژی روزآمد و مدیریت متحجر برای حضور در بازار جهانی کافی نیستند. دستیابی به بازار و در نتیجه بازاریابی کلید ورود به پویایی اقتصاد جهانی هستند. دستیابی بدین بازار از مهم ترین موانع ورود کشورهای در حال توسعه به بازار دیگر کشورهاست. اهمیت سرمایه گذار خارجی از جمله به لحاظ گشودن درهای بازار در سطح جهان است. چه اگر شرکتی فراملیتی، بنابر منافع اقتصادی خود، در کشوری سرمایه گذاری کرد، خود نیز بازاریابی محصولات تولید شده در بازار جهانی را بعهده می گیرد یا دست کم در آن مشارکت فعال می کند. کره جنوبی چنین استراتژی را برگزید و با جلب سرمایه خارجی یا مشارکت آن در تولید قطعات، عملاً به جزء جدایی ناپذیر روند تولیدی شرکت های چند ملیتی مبدل شد.

در پی آن چه شرحش رفت، صدای اعتراض مخالفان را به بانگ بلند می شنوم که با ورود سرمایه خارجی یا حتی مشارکت شرکت های چند ملیتی، استقلال ایران از میان می رود، ثروت ملی به غارت می رود و تنها فقر فزاینده بجای می ماند. چنین فرضی یکسر خطاست. تنظیم کارکرد اقتصاد ملی با فرآیند اقتصاد جهانی، باعث رشد اقتصادی و گذار کشور از عقب مانده به صنعتی و پیشرفته است. کافی است در این مورد، آلمان غربی و آلمان شرقی (قبل از یکی شدن در سال 1991)، کره جنوبی و کره شمالی، تایوان و چین کمونیست و ... را مقایسه کنیم. مسئله اصلی بر سر «جذب یا حذف» در بازار جهانی است. برای کشورهای در حال

رشد، خطر اصلی دیگر نه استعمار و استثمار بویژه در چهارچوب واژگان سنتی و سیاسی زده آن، بلکه برکناری از پویایی اقتصاد و دورماندگی از فرآیند سرمایه گذاری های خارجی است. حقیقت آن است که بر خلاف خرافه رایج به جای مانده از نظریه چپ گرای "مرکز و پیرامون"، سرمایه گذاری خارجی موجد وابستگی و انقیاد کشور میزبان به شرکت سرمایه گذار نیست. اگر چنین بود، کشورهای صنعتی جهان بیش از کشورهای جهان سوم، وابسته و مستعمره ایالات متحده آمریکا بودند، چرا که همچنان که از جدول زیر بر می آید، پذیرای عمده سرمایه گذاری های خارجی شرکت های آمریکایی اند. اما آیا این کشور ها، مستعمره ایالات متحده آمریکایند؟

نخیره سرمایه گذاری خارجی ایالات متحده آمریکا در سال 2000 میلادی

درصد %	میلیارد دلار	
81,0	982,8	کشورهای با درآمد بالا
18,0	218,1	کشورهای با درآمد متوسط
1,0	12,2	کشورهای با درآمد پایین
100	1213,1	تمامی کشورها

Source: The Economist, A Survey of Globalization, September 29th, 2001

در پایان، توجه خوانندگان محترم را به جدول پیوست جلب می کنم. جدول نمایانگر ترکیب سهامداران مهم ترین شرکت ها در پیشرفته ترین کشورهای اروپایی است. حضور سهامداران غیربومی در این شرکت ها، نه به تولید داخلی صدمه ای زده است و نه به حاکمیت ملی. بلکه برعکس هم این را برکشیده است و هم آن را. آیا چپ و دولت گرایان هم وطن، به این نکات اعتنایی خواهند داشت؟

جمشید اسدی

فرانسه، ژوئن 2003

پیوست

ترکیب سهامداران چند شرکت مهم اروپایی

سهمداران آمریکایی و انگلیسی	سهمداران خارجی	بخش اقتصادی	نام شرکت
50,0%	90,0%	تجهیزات مخابراتی	NOKIA (فنلاند)
45,0%	75,0%	امور مالی	ING (هلند)
11,2%	74,3%	امور مالی	DEXIA (فرانسه)
7,90%	73,4%	امور مالی	AGF (فرانسه)
35,0%	70,0%	وسایل الکترونیکی	PHILIPS (هلند)
20,0%	65,0%	نفت	TOTALFINAELF (فرانسه)
35,0%	64,0%	خدمات کامپیوتری	CAP GEMINI (فرانسه)
31,0%	64,%	توزیع و فروش	AHOLD (هلند)
24,6%	61,6%	خدمات و تولیدات رسانه ای	VIVRNDI UNIVERAL (فرانسه)
47,0%	61,5%	تجهیزات	ALSTOM (فرانسه)
31,6%	58,0%	دارو سازی	AVENTIS (فرانسه)
25,0%	57,9%	خدمات عمومی	E.ON (آلمان)
29,0%	55,0%	امور مالی	BSCH (اسپانیا)
36,0%	55,0%	محصولات مصرفی	UNILEVER (هلند)
42,0%	54,0%	نفت	ROYAL DUTCH (هلند)
28,0%	52,0%	امور مالی	AXA (فرانسه)
19,0%	52,0%	امور مالی	DEUTSCHE BANK (آلمان)
33,0%	52,0%	خدمات مخابراتی	DEUTSCHE TELEKOM (آلمان)
5,50%	50,9%	هواپیما سازی	EADS (فرانسه)
25,0%	50,0%	امور مالی	ABN AMRO (هلند)
40,0%	50,0%	تجهیزات الکترونیکی	ALCATEL (فرانسه)
24,0%	50,0%	تجهیزات الکترونیکی	SIEMENS (آلمان)

ماخذ : Le Monde, Samedi 22 juin 2002

یادداشت ها

- 1 روزنامه خراسان، دوشنبه 28 مرداد 1381. بنابر همین روزنامه ، 92 درصد برندگان المپیادهای علمی، ایران را ترک می کنند.
- 2 اگر سرمایه گذاری مستقیم صورت گیرد نه تعهد بازپرداخت دارد ، نه منافع ملی به خطر می افتد، دوران امروز ، 13 بهمن ، سال اول، 1379 ، به نقل از دکتر مهدی نواب رییس برکنار شده سازمان سرمایه گذاری و کمکهای فنی و اقتصادی ، در هفته نامه اقتصادی، Economics Focus, A voice for the poor، این زبده نظر، از مقاله زیر برگرفته شده است : 3
The Economist, May 4th 2002
- 4 سه کتاب آخر پیتر بوئر در این ارتباط، عبارتند از:

- From Subsistence to Exchange and other Essays (2000)
- Development Frontier (1991)
- Reality and Rhetoric: Studies in the Economics of Development (1984)

5 Kjell Magne Bondevik and others (2002), The rich countries will have to do better, Inetrnational Herald Tribune.

6 Jean-Michel Severino (2002), Le protectionisme agricole des pays du Nord wine le Sud, interview, Enjeu, avril 2002

7 شما می دانید که وقتی قرار شد در کره جنوبی بانک توسعه اقتصاد و معدن ایجاد شود، هیات مدیره بانک را آوردند، در بانک توسعه و صنعت ایران کارآموزی کنندو کره جنوبی در حدود 15 سال از ما عقب بود.

به نقل از از سخنرانی منتشر نشده دکتر حسین عظیمی، اقتصاد نهادگرا، روزنامه همشهری، چهارشنبه 24 اردیبهشت 1382، 14 ماه مه 2003.

نظر به اهمیت این مطلب، تاریخچه تشکیل بانک توسعه و صنعت در ایران را به نقل از همان منبع می آوریم :

برای این که بحث کمی روشن شود به سال های بعد از کودتای ضد مرحوم مصدق ... باز می گردیم. اولین نهادی که ایجاد کردند بانک توسعه صنعت و معدن ایران بود ... داستان آن این است که به این نتیجه رسیده بودند که باید سرمایه گذاری بشود، اعم از داخلی یا خارجی. دانش فنی خارجی هم مورد نیاز است و همه این ها را می خواستند ... وقتی این نهاد را بررسی می کنید می بینید کل سرمایه آن 40 میلیون تومان بوده است. ... اعلام کردند که این بانک خصوصی است و قرار نیست دولتی کار کند بلکه هدف از ایجاد آن ایجاد صنایع کارآفرین است. تشخیص داده بودند که سود صنعت کم و سود تجارت بسیار زیاد است. بنابراین اولین قدمی که برداشتند این بود که بانک مرکزی 1/5 برابر سرمایه خود بانک، وام بدون بهره 30 ساله در اختیار بانک توسعه صنعت و معدن قرار داد. نکته این بود که بانک با 5/2 برابر سرمایه خودش کار می کرد و به 40 درصد صاحبان سرمایه سود می داد ... علاوه بر این قرار شد بانک 15 سال اقساط ندهد و بعد از 15 سال شروع کند به بازپرداخت. در بحث سرمایه خارجی هم گفتند 40 درصد این 40 میلیون تومان را به خارجی ها به صورت فروش سهم ... می فروشیم. به این ترتیب 16 میلیون تومان از سهام را برای خارجی ها کنار گذاشتند. 33 درصد این 16 میلیون تومان را یعنی نزدیک به 6 میلیون برای آمریکایی ها؛ 3 تا 11 درصد برای انگلیسی ها، آلمانی ها و فرانسوی ها، 3 تا 7 درصد برای ایتالیایی ها و چند کشور دیگر. در هر کدام از کشورهای مذکور شرکت های بزرگی وجود داشتند که سرمایه گذاری می کردند و دانش فنی داشتند. و اگر سرمایه به خارجی ها این شرکت ها را به سرمایه گذاری در ایران تشویق می کرد ...

بعد مسئله اعتماد طرفین سهامداران مطرح شد. برای حل این مساله در اساسنامه ذکر کردند که در مجامع عمومی اکثریت هر گروه از سهامداران حق وتو دارند. به عبارت دیگر قرار شد خارجی ها جدا رأی بدهند و ایرانی ها جدا. دو دسته باید رأی شان موافق یک تصمیم باشند و هر کدام از آن ها که مخالف بود آن تصمیم لغو می شد. بدین ترتیب با قائل شدن حق وتو اعتماد خارجی ها را جلب کردند. آنگاه ... به بانک دستور دادند که یک گروه کارشناس درست کند و آن گروه کارشناس در ایران مشهور شد، زیرا پروژه ها را خیلی خوب تهیه و ارزیابی می کردند. وظیفه بانک این بود که پروژه ها را پیدا و ارزیابی می کرد. بعد از اعضا دعوت می کردند و محاسبات و مقدار سرمایه لازم را به ایشان اعلام می کردند و می گفتند آیا می خواهید سرمایه گذاری کنید یا خیر. در اساسنامه ذکر شده بود که بانک حتی یک ریال هم نباید خرج کند بلکه اعضا سرمایه گذاری می کردند و قس علیهذا ... گزارش های قطوری راجع به کارهای توجیهی این بانک وجود داشت. مطالعات نشان می دهد در سال 1351 حتی یک پروژه مهم صنعتی در ایران نبوده است که این بانک در آن زمان در مورد آن پروژه وظیفه ای داشته باشد و انجام نداده باشد. بانک توسعه کشاورزی را همتای بانک صنعت و معدن برای کشاورزی روزمره درست کردند، بانک برنامه هم بود که بعدا به بانک اعتبارات صنعتی برای صنایع کوچک تر تبدیل شد.

8 بررسی وضعیت بازار سرمایه در ایران ، به نقل از داود دانش جعفری ، نماینده مردم تهران در مجلس، کیهان هوایی سال 49 شماره 1363 ، دوشنبه بیست و هفت دی ماه 1378

9 براساس خوش بینانه ترین برآوردها، تولید سرانه ایران در حدود 1500 دلار است. هرچند که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، براساس مفروضات دیگر، ارقام % هزار و 6 هزار دلار نیز مطرح شده اند. در همین حال، تولید سرانه سوئیس

40 هزار دلار، ژاپن 39 هزار دلار، ایالات متحده 38 هزار دلار و در کشورهای صنعتی به طور متوسط 32500 دلار است.

به نقل از سخنرانی منتشر نشده دکتر حسین عظیمی، اقتصاد نهادگر، روزنامه همشهری، چهارشنبه 24 اردیبهشت 1382، 14 ماه مه 2003.

- 10 (اگر سرمایه گذاری مستقیم صورت گیرد - 1379 - همان)
- 11 دکتر داریوش مهاجر، ایران و جهانی شدن، قسمت دوم، ایرار اقتصادی، چهارشنبه 17 بهمن 1380.
- 12 ایران در ده سال، 2 میلیارد دلار و چین در یکسال 80 میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کردند، روزنامه ایران، سال هشتم، شماره 2189، دوشنبه، 31 تیر ماه 1381
- 13 سرمایه گذاری خارجی در ایران، (BBC Persian (09/02/2003
www.bbc.co.uk/persian/business/030208_he-ag-investment.shtml
به نقل از محمد خزایی، رئیس سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران.
- 14 (بانک کشاورزی ایران مناسب ترین برای جذب سرمایه خارجی، گزارش دکتر جلال رسول اف، مدیر عامل بانک کشاورزی، روزنامه توسعه، چهارشنبه 10 بهمن 1380، دوره جدید، شماره 227
- 15 علی رشیدی (2000)، چه کسانی از آرامش سیاسی و امنیت اقتصادی زیان می بینند، کیهان چاپ لندن، شماره 833، پنج شنبه 16 نوامبر تا چهارشنبه 22 نوامبر.
- 16 ی علوی (2002)، اقتصاد ایران و سرمایه گذاری خارجی، یک منظره عمومی، سایت اینترنتی ایران امروز. تاریخ نگارش مقاله 28 مرداد 1381.
- 17 روزنامه فتح، به نقل از مدیر کل بیمه ایران، دوشنبه 4 بهمن 1378، شماره 36 صفحه 4.